

# افت و خیز در زبان ترجمه

نقدی بر ترجمه کتاب مرجع‌شناسی ویلیام ا. کتس

سیدعلی قاسم‌زاده\*



مرجع‌شناسی (تخصصی و عمومی فارسی و غیر فارسی)

ویلیام ا. کتس

به کوشش حمید محسنی

مترجمان: آیدین آذری، محسن عزیزی و حمید محسنی

انتشارات کتابدار، چاپ اول، ۱۳۸۶.

راهنمای مرجع‌شناسی چه میزان محقق - به‌ویژه پژوهشگران حوزه علوم ادبی - را در امر پژوهش یاری می‌کند و هرگونه تغافل و تساهل در این امر مهم می‌تواند تا چه حد گمراه‌کننده، وقت‌بر و هزینه‌زا باشد. نکته دیگری که ضرورت توجه به کتاب‌هایی از این دست را آشکار می‌کند این است که اصالت یک تحقیق بیش از هر امر دیگر به منابع آن بستگی دارد. مرجع‌شناسی بیش از هر اثر دیگری در شناخت مراجع پایه و اصل به ما کمک می‌کند. با توجه به چنین نکاتی ضرورت آثاری از این دست جلوه‌گر می‌شود.

ضرورت ترجمه کتاب مرجع‌شناسی ویلیام کتس را بر این مبنا باید بررسی کرد: کتابی که از منابع مهم در حوزه «مرجع‌شناسی» به حساب می‌آید و همواره عنایت ویژه‌ای به آن می‌شود؛ کتابی که پس از چندین دهه سرانجام به فارسی ترجمه شده<sup>۱</sup> و در معرض مطالعه و استفاده دانش‌پژوهان و دانشجویان قرار گرفته است. اما دقت در مطالب، مباحث و زبان ترجمه و شیوه نگارش و سپس ترجمه آن در ایران نکات زیادی به همراه دارد که ما به اندازه توان خویش به آنها می‌پردازیم.

از محقق تا مقلد فرق هاست  
کاین چو دودست وان دیگر صد است  
منبع گفتار این سوزی بود  
و آن مقلد کهنه آموزی بود  
ز آنکه تقلید آفت هر نیکویی است  
که بود تقلید اگر کوه قوی است

(مولانا، دفتر دوم، ابیات ۴۹۸، ۴۹۷، ۴۸۷)

«مرجع‌شناسی در حقیقت شناخت ابزار؛ یعنی شناخت منابع تحقیق و روش تحقیق، طرز استعمال و کاربرد آن ابزار و استفاده از منابع و مآخذ است.» (ستوده، ۱۳۸۳: ص ۱۴) پر واضح است یکی از ابزارهای مناسب و کارگشا در تمهید هر پژوهش و شناخت و آگاهی از منابع و چگونگی دستیابی به آنها دانش «مرجع‌شناسی» است. دستیابی به بلاغت‌های تحقیق (فتوحی، ۱۳۸۵: ص ۱۴) بدون شناخت مراجع تحقیق دشوار و گاه گمراه‌کننده است. روشن است در چنین محیط طوفان‌زا و تاریک، کتاب‌های

## فصاحت و بلاغت رکن ضروری و جدایی‌ناپذیر هر اثر به حساب می‌آید و هرگونه سهل‌انگاری و تغافل نسبت به آن زیان‌های جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. از این رو ویرایش هر نوشته از مهم‌ترین مراحل ارائه آن به شمار می‌آید؛ مرحله‌ای که امروزه گاه از سوی برخی مؤلفان و ناشران نادیده گرفته می‌شود یا مغفول می‌ماند

### ۱- نکاتی مربوط به کتاب و نویسنده:

introduction to reference work نام کتاب ویلیام کتس - مدرّس علوم اطلاع‌رسانی دانشگاه نیویورک - است که گویا در سال ۱۹۷۴ (؟) تألیف و به بازار ارائه کرده است. نگارنده در این اثر دوازده فصلی در تلاش است تا با ارائه جامع‌ترین و جدیدترین اطلاعات کتابخانه‌ای و معرفی منابع اصلی در جهان غرب به خصوص منابع الکترونیکی و پایگاه‌های رایانه‌ای، خدمتی دیگرگونه و بسزا از خود ارائه نماید. اهتمام کتس به ویرایش هشت‌باره آن در طول انتشار کتاب دلیل متقنی بر اثبات ادعای مذکور؛ یعنی به روز بودن و جامع و کاربردی بودن برای دانشجویان است. از دیگر سو اقبال قابل توجه استادان و دانشجویان به این کتاب در کشورهای مختلف جهان خود بر محبوبیت این اثر افزوده است.

### ۱-۱- طبقه‌بندی مناسب مفاهیم:

برجسته‌ترین امتیاز این کتاب نسبت به کتاب‌های مرجع‌شناسی موجود در فارسی نظام‌مندی و روشمندی آن است. نویسنده با درایت و بینش، با استفاده از یک روش کاملاً منظم و ساختارگرا به تدوین مباحث کتاب خویش پرداخته است و کوشیده با حفظ پیوند بین فصل‌ها مباحث هر فصل را نیز منسجم و مرتبط ارائه کند. وی با استفاده از روش ایجاز و اختصار به توضیح و تبیین مطالب پرداخته و هر کجا که ضرورت اطناب داشته به تفصیل روی آورده است و در عین حال کوشیده تا نوشته‌هایش به اطنابی ممل کشانده نشود.

### ۱-۲- کتاب‌شناسی توصیفی:

شاید برخی، از الگوی مأخذی پیشنهادی ویلیام کتس ناراضی باشند یا چندان به مذاقتشان خوش نیاید اما بی‌شک یکی از نقاط قوت این اثر همین نکته است. روشی که می‌تواند به عنوان یک نمونه موفق و ارزشمند در تألیف کتاب‌های فارسی در نظر گرفته شود. روشن است این‌گونه مأخذ پیشنهادی - که خلاصه‌ای از درون‌مایه تحقیق یا لب کلام آن ایراد می‌شود - از یک سو راهگشا و راهنمای مناسبی برای آشنایی اجمالی با منابع مرتبط با موضوع خاص مورد بحث است و اغتنام فرصت و تسریع در جست‌وجو و صرفه‌جویی در هزینه‌های تحقیق از امتیازهای مهم این نوآوری در کتاب‌شناسی است و از سوی دیگر بر دایره اطلاعات خوانندگان در شناخت منابع تحقیقی بیشتر می‌افزاید و آنها را در اقدام پژوهی‌های بعدی یاری می‌نماید. گرچه دستیابی به اغلب این کتاب‌ها برای یک محقق ایرانی دشوار، گاه ناممکن به نظر می‌رسد، باید توجه داشت که این کتاب در درجه اول برای دانش مرجع‌شناسی در غرب نگاشته شده است و بی‌گمان برای چنان محیطی بسیار ارزشمند و کارگشاست و در مرتبه بعدی برای بالا بردن اطلاعات کتابداری و مرجع‌شناسی همه محیط‌های علمی جهان مهم و مغتنم خواهد بود. اما با همه امتیازات، کتاب فاقد مأخذ و منابع پایانی است و این مطلب خوانندگان را از دستیابی به منابع استفاده شده توسط نویسنده به صورت یکجا محروم نموده است؛ چراکه امروزه یادکرد منابع پایانی از ارکان اصیل یک کتاب علمی به شمار می‌رود و خود یکی از راه‌های اساسی افزایش دانش کتاب‌شناسی مخاطبان است. لذا شایسته است تا مترجمان محترم کتاب با تدوین منابع پایانی این

## مترجم می‌کوشد تا اصطلاحی جدید یا واژه‌ای بدیع بیافریند که در زبان موجود نیست یا آن وضوح و روشنی را در انتقال مفهوم ندارد. بی‌شک در ترجمه یک زبان به زبان دیگر اصل بر استفاده صحیح از واژگانی است که اجلی و اعرف باشند و این نکته‌ای است که گاه از سوی مترجمان نادیده گرفته می‌شود

کاستی را برطرف نمایند.

### ۱-۳- روزآمدی، علم محوری و جامعیت اثر:

از امتیازات برجسته این اثر جامعیت مباحث، علمی بودن و به روز بودن مطالب کتاب است. بسیاری از محتویات این کتاب با توجه به زمان تألیف، جدیدترین و بدیع‌ترین مباحث مرجع‌شناسی را متناسب با پیشرفت‌های دقیق و گسترده علمی در بر گرفته است. پایبندی به چنین هدفی است که هر از گاهی نویسنده را بر آن می‌دارد تا با نظارت و دنباله‌روی از پیشرفت‌های دنیای اطلاعات با ویرایش‌های مکرر روزآمدی و جامعیت مباحث مطروح در اثر را محفوظ دارد. گرچه ممکن است مرجع‌شناسی کتس اولین اثر جهانی نباشد که به معرفی و ارائه کتابخانه‌های اینترنتی، پایگاه‌های الکترونیکی و چگونگی استفاده از آن به عنوان منابع پژوهشی در کتاب‌های مرجع‌شناسی پرداخته است، بی‌تردید این اثر را می‌بایست از اولین آثاری دانست که به طور گسترده‌ای به ارائه این‌گونه مطالب روی آورده است. تنها با نگاهی به فهرست موضوعی کتاب و مشاهده مدخل‌های مربوط به مراجع الکترونیکی و پایگاه‌های اینترنتی و رایانه‌ای، گستره و پهنای چنین موضوعی به روشنی مشهود می‌گردد.

### ۱-۴- جنبه تخصصی داشتن برای کتابدارها و عمومی بودن

برای دیگران:

این کتاب بیش و پیش از این که یک اثر کامل مرجع‌شناسی برای همه رشته‌های دانشگاهی باشد یک کتاب راهنمای خوب برای کتابداری مدرن است و این مسأله تقریباً آن را از دسترس بسیاری از دانشجویان رشته‌های دیگر دور داشته است. مسأله‌ای که می‌تواند باعث ایجاد احساس بیگانگی با بخشی از مطالب کتاب در پژوهشگران غیر کتابدار و مبتدی گردد به گونه‌ای که عموماً در برخورد با آن تنها با هجمه‌ای از اطلاعات عمومی و غیر تخصصی روبه‌رو می‌شوند؛ اطلاعاتی که نمی‌تواند آنان را در امر پژوهش تخصصی چندان راهبری نماید و این مسأله‌ای است که می‌تواند از یک رو میمون و از روی دیگر نامیمون باشد.

### ۲- عمده‌ترین مطالب مربوط به مترجمان:

ترجمه کتاب ارزشمند «مقدمه‌ای بر مرجع‌شناسی» یا «آشنایی با مرجع‌شناسی» ویلیام کتس بسیار گران‌قیمت و ستایش‌آمیز است اما از آنجا که اقتضای نقد بی‌شائبه ایجاب می‌کند می‌کوشیم تا با رویکردی انتقادی مباحثی را که باعث ضعف و سستی در ترجمه این اثر گشته بیان نماییم باشد تا دستگیر ناشر و مترجمان محترم در چاپ‌های بعدی اثر باشد.

۱-۲- نام اثر:

بی‌شک عنوان یک اثر ترجمه‌ای، باید مطابق با اصل کتاب باشد و هرگونه دخل و تصرف به‌خصوص آنگاه که مترجم خود را وفادار به متن اصلی می‌داند، نادرست می‌نماید. اگرچه تصور می‌شود مترجمان محترم با برافزوده‌های فارسی به ترجمه کتاب، بر این باور باشند که طرحی نو در انداخته و بر کمال اثر افزوده‌اند و در این اندیشه که برای مبارزه با تفکر غیر کاربردی بودن آن در ایران باید اثر را با مباحثی از منابع فارسی عجین کرد، پس می‌بایست ذیل عنوان مرجع‌شناسی عبارت (تخصصی و عمومی فارسی و غیر فارسی) را بیفزایند. از آنجا که اولاً عنوان تخصصی و عمومی فارسی و غیر فارسی کلی و ابهام‌انگیز است و ثانیاً اثر مورد بحث بیشتر به عنوان راهنمایی برای کتابداران نگاشته شده افزودن عبارت مذکور به عنوان اثر، محل فصاحت و بی‌تناسب است. بنابراین بهتر بود عبارت مذکور بر نام کتاب افزوده نمی‌شد.

### ۲-۲- ترکیب ترجمه و تألیف:

ترجمه پل ارتباطی میان فرهنگ‌هاست و مترجم با ترجمه یک اثر می‌کوشد مردم زبان خویش را با فرهنگ و تمدن و دانش اقوام دیگر آشنا کند. لذا در ترجمه اثر ضمن وسواس و دقت، باید از هرگونه دخل و تصرف در آن - مگر به ضرورت - خودداری کند. از این‌رو اگرچه معرفی مراجع فارسی به دنبال و به تناسب مراجعی که در اصل کتاب از سوی مؤلف ارائه شده است، می‌تواند در راستای تسهیل آموزش آن در محیط‌های علمی کشور باشد، نه تنها بر ارزش کتاب نمی‌افزاید، از اهمیت ترجمه کتاب می‌کاهد. کتاب مرجع‌شناسی نمودار تفکر نویسنده آن است و برافزوده‌های فراوان مطالب بیرون از اصل نوشتار کتاب بر حجم کتاب و بالا رفتن قیمت آن افزوده است و این مسأله‌ای است که ممکن است بسیاری از علاقه‌مندان را از دسترسی به آن محروم کند. لذا بهتر بود این برافزوده به صورت کامل، با معرفی جامع منابع موجود فارسی و با الگوبرداری از کتاب ویلیام کتس به صورت جداگانه تألیف می‌شد.

### ۲-۳- ضرورت ویرایش ترجمه:

فصاحت و بلاغت رکن ضروری و جدایی‌ناپذیر هر اثر به حساب می‌آید و هرگونه سهل‌انگاری و تغافل نسبت به آن زبان‌های جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت. از این‌رو ویرایش هر نوشته از مهم‌ترین مراحل ارائه آن به شمار می‌آید؛ مرحله‌ای که امروزه گاه از سوی برخی مؤلفان و ناشران نادیده گرفته می‌شود یا مغفول می‌ماند.

### ۲-۳-۱- معادل‌سازی‌های نامناسب واژگان:

بی‌شک در ترجمه یک متن واژگان بسیاری وجود دارد که ظرفیت

ترجمه‌پذیری ندارد و اساساً پیدا کردن یک واژه مناسب و معادل برای آن دشوار و گاه ناممکن است؛ چراکه در بسیاری از اوقات واژه جایگزین نمی‌تواند همه بار معنایی آن را انتقال دهد. از سوی دیگر شاید کم‌توجهی یا کم‌اطلاعی مترجم از واژگان موجود در یک زبان او را از انتخاب یک واژه جایگزین در ترجمه ناتوان سازد. از این‌رو مترجم می‌کوشد تا اصطلاحی جدید یا واژه‌های بدیع بیافریند که در زبان موجود نیست یا آن وضوح و روشنی را در انتقال مفهوم ندارد. بی‌شک در ترجمه یک زبان به زبان دیگر اصل بر استفاده صحیح از واژگانی است که اجلی و اعراف باشند و این نکته‌ای است که گاه از سوی مترجمان نادیده گرفته می‌شود. برخی از معادل‌های واژگانی که در اثر مورد بحث ابداعی نامناسب و واژگانی مبهم به شمار می‌آیند و مترجمان محترم باید واژگانی صحیح و روشن‌تری را جایگزین آنها کنند، عبارتند از: چهریزها (ص ۶)، درهم‌کرد (صص ۱۴۳، ۱۳۹)، گزارمان (ص ۸۹)، مهرین‌کشی (ص ۲۵۰)، چاوسر (ص ۹) و ...<sup>۲</sup>

### ۲-۳-۲- ناهمگونی در معادل‌یابی:

امروزه کمتر کسی از تلاش فرهنگستان زبان فارسی برای واژه‌گزینی کلمات بیگانه بی‌اطلاع است. گرچه برخی از واژه‌گزینی‌های آن نتوانسته در فرهنگ گفتاری و نوشتاری ما رواج یابد و با آن که بسیاری از واژگان برگزیده آنها در گفتار مردم نفوذ نیافته است، این مسأله نمی‌تواند دلیل منطقی برای به کار نبردن آن در نوشتار معیار فارسی باشد. ترجمه کتاب حاضر نیز از این ایراد مبرا نیست. در فحوای ترجمه کتاب، واژگان بسیاری یافت می‌شود که معادل‌های مناسب و گاه رایجی در زبان فارسی دارند و با وجود آن به کار بردن کلمات بیگانه مناسب نیست و لازم است تا معادل‌های مناسب و رایج آنها به کار گرفته شود؛ واژگانی نظیر دیسک (ص ۸)، میکروفیشر (ص ۶۴۹)، اتوماسیون (ص ۴۱۷)، توریست (ص ۴۱۹)، فیلد (ص ۴۰۱)، فایل (ص ۴۰)، کروش (ص ۱۷۹)، دوز (ص ۳۸۳) و... که به صورت مکرر در جای‌جای این اثر به کار رفته است. نکته قابل توجه دیگر ناهمگونی در ترجمه یا تایپ برخی واژگان و اصطلاحات است. مترجمان گاه اصطلاحی را بدون ترجمه با زبان اصلی (انگلیسی) نوشته و گاه صورت تلفظی آن را با رسم‌الخط فارسی آن نوشته‌اند و از نابسامانی‌های این ترجمه همین نکته است. واژگانی مانند قمدلین (ص ۶۴۲)، مدلاین (ص ۹۴۳)، مدیتیشن (ص ۲۹۷)، هوزهووی (ص ۴۸۵)، وستیمینستر (ص ۲۷۰) و... .

### ۲-۳-۳- آسفنگی تدوین:

دقیقه چشمگیر دیگری که بیشتر به نویسنده کتاب برمی‌گردد تا مترجمان، وجود بخش‌های غیرمعمول و ناهنجار در صفحه فهرست‌نامه است. اگرچه فهرست مطالب ارائه شده به نظر نمایش همان الگویی است که در اصل کتاب وجود دارد، برای تدوین مطالب به دقت و ذوق بیشتری از سوی مترجمان نیاز است. الگوی فهرست مطالب ناهنجار است و ضرورت اصلاح آن در فهرست‌نامه و متن لازم به نظر می‌رسد؛ به این صورت که برخی از عناوین موجود در فصل‌ها را می‌توان حذف و در داخل متن ذیل مطالب مؤخر خود ذکر کرد؛ مانند عنوان «و نهایتاً» (ص ۴۹۹) یا عنوان «و ...» (ص ۶۵۵) و مواردی از این دست که با دقت و به کار بردن ذوق بیشتر نمایان می‌شود. افزون بر آن زیرمجموعه‌های مربوط به یک مطلب بهتر است شماره‌گذاری گردد؛ امری که گاه رعایت شده و گاه مغفول مانده است. گاه با حروف مشخص شده و گاه با اعداد. لذا ضروری است این نابسامانی‌ها رفع شود؛ مانند شماره‌گذاری مبحث «معیارهای اصلی ارزیابی» در فصل اول که با جداکردن معیارهایی چون «هزینه» و «کاوش» ذیل مبحث غیر ضرور «دیگر عوامل ارزیابی» آورده شده است. در حالی که می‌توان با حذف عبارت مذکور آن دو عامل را شماره‌های بعدی معیارهای ارزیابی به شمار آورد. بی‌شک بازنگری جدی‌تر فهرست مطالب و طبقه‌بندی منسجم‌تر بر جاذبه این اثر خواهد افزود.

### ۲-۳-۴- مهم‌ترین غلط‌های دستوری و نگارشی:

۱- حذف بی‌قرینه افعال (فعل‌هایی که داخل قلاب آمده در اصل ترجمه نیامده است)  
«پس از آن و در سطح وسیع‌تر، کتابخانه فوق همچون سایر کتابخانه‌ها به مسأله جست‌وجوی موضوعی پرداخته [است] و برحسب وظیفه پیوندهایی به سایت‌های پایه از هنر و علوم انسانی گرفته تا مسائل اجتماعی دارد.» (ص ۳۳۷)  
«ابزارهای موجود، به سرعت کاوش را بالا برده [است] و از هزینه‌ها می‌کاهد» (ص ۷۳)

### ۲- ناهمگونی فعل‌ها:

«مشهورترین اشکال این منابع اطلس‌ها هستند که نه فقط کشورها را نشان می‌دهند، بلکه ممکن است مضامینی چون تحولات تاریخی، اجتماعی، و مراکز علمی را نیز شرح می‌دهند.» (صص ۶-۷)  
«... به‌طور خودکار مطالب صفحه را نمایه‌سازی کرده و پیوندهایی به صفحه‌های مشابه برقرار می‌کنند.» (ص ۶۰)

### ۳- عدم رعایت مطابقت فعل و نهاد:

## در فحوای ترجمه کتاب، واژگان بسیاری یافت می‌شود که معادل‌های مناسب و گاه رایجی در زبان فارسی دارند و با وجود آن به کار بردن کلمات بیگانه مناسب نیست و لازم است تا معادل‌های مناسب و رایج آنها به کار گرفته شود

«این منبع آنچه را که روزانه و سالانه تولید می‌شود به شیوه‌ای فهرست می‌کند که گردآورنده نیز کاربر احساس می‌کنند با سازماندهی بر جریان منظم دانش تسلط دارند. کتابشناسی از طریق تحقیق (یافتن منبع خاص)، شناسایی، توصیف و رده‌بندی تهیه می‌شود.» (ص ۵)

«به نظر می‌رسد هدف آن نیز همان‌ها باشند، چرا که بر مطالب مربوط به استادان و برنامه کاری آنها تأکید بسیار دارد.» (ص ۲۷۱)

«نام بسیاری از افراد در **dab** وجود دارد که در **anb** یافت نمی‌شوند و به ناچار اثر قدیمی‌تر در قفسه‌هاست.» (ص ۹۴۹)

در اغلب جمله‌های این کتاب برای نهاد جمع غیر جاندار فعل جمع به کار رفته است که باید از فعل مفرد استفاده شود:

«منابع پولی به لحاظ کیفی جذاب‌ترند.» (ص ۴۹)

«منبع مرجع پولی، جدا از سهولت استفاده، حاوی پایگاه‌ها و منابع خاص هستند.» (ص ۶۷)

### ۴- نادرستی‌های واژگانی (غلط‌های مصطلح):

منیت‌ها (ص ۴۸۴)، پیشنهادات (ص ۸۱)، قدیمی‌تر (ص ۴۹۴)، اکثراً (ص ۲۹۲) و حشو در مواردی چون روزنامه‌های یومیه (ص ۶۴۸)، افراد انسانی (ص ۲۷۰)، تکرار بی‌مورد: «جغرافی‌دانان از مقیاس نقشه برای اشاره به اندازه بازنمایی بر روی نقشه استفاده می‌کنند. مقیاس ۱:۶۳۳۶۰ یعنی مقیاس ۱ اینچ برای هر مایل» (ص ۴۲۷)، «عملکرد واقعی یک کتابشناسی تجاری این است که به کتابدار می‌گوید چه منابعی، عمدتاً از ناشران هر کشور منتشر شده، منتشر می‌شود و منتشر خواهد شد.» (ص ۱۳۹) استعمال «ین» مثنی و جمع عربی به جای «ان» جمع فارسی چون ناشرین به جای ناشران در متن کتاب، محققین و متخصصین به جای محققان و متخصصان (ص ۵)، ترجیح فعل می‌باشد بر است در اغلب موارد چون آنچه در ص ۲۷۶ آمده است.<sup>۲</sup>

### ۲-۳-۵- گرت‌برداری:

الف - گرت‌برداری صرفی و نحوی:

استعمال فراوان نه تنها یا نه فقط به همراه بلکه (صص ۶، ۲۷۷، ۳۳۷)، اگر چه به همراه اما (ص ۳۰۶)، آنچه که (ص ۱۱)، آنچه را که (ص ۵)، با این وجود (صص ۱۸۳، ۱۱۴، ۸۶)، استعمال هم‌زمان و بی‌فاصله سه حرف ربط «و، یا، حتی» (صص ۴۷۳، ۶۴۳).

جابجایی در ارکان جمله در پی وفاداربودن به اصل کتاب از جمله این گرت‌برداری است:

«این روزها اکثر مردم به اینترنت روی می‌آورند خصوصاً در خانه.»

(ص ۱۱)

«اگر شخص بخواهد محل نگهداری آن کتاب را جست‌وجو کند، یقیناً کتابخانه کنگره در اکثر نتایج نمایان می‌شود و بعد از آن کتابخانه‌های موجود در بخش‌های مختلف آمریکا و بعضاً خارج از آمریکا.» (ص ۱۲۷)

«این کتابشناسی تجاری، در کنار راهنمایی کاربر به این که آیا یک کتاب قابل خریداری هست یا خیر و اگر هست از چه کسی و با چه قیمتی، این قبیل سؤالات را نیز پاسخ می‌دهد: چه کتاب‌هایی از ویلیام فاکنر موجود است؛ چه با جلد گالینگور و چه با جلد مقوایی و با قیمت‌های مختلف؟» (ص ۱۴۱)

همچنین در بندهای سوم و چهارم صفحه ۱۱۹ تحمیل شدن ساختار نحوی زبان مبدأ را - که از رهگذر همین ترجمه خطی و تحت‌اللفظی بر زبان فارسی ایجاد شده است - مشاهده نمود.

\* آوردن نشانه مفعولی «را» پس از فعل که برخلاف منطق دستوری زبان فارسی است:

«البته این راهنما کتاب‌هایی را که درباره ادبیات داستانی نوشته شده‌اند را نام پدیدآورنده داستان آورده است» (ص ۱۴۱)

«این دو ماهنامه کتاب‌هایی را که قرار است تا پنج ماه دیگر منتشر شوند را بر حسب نام مؤلف و عنوان فهرست می‌کند.» (ص ۱۴۲)

«بسیاری از کتابخانه‌های تخصصی که در این دو راهنمای پایه یافت نمی‌شوند را می‌توان در اثر چاپی زیر یافت» (ص ۱۵۰)

ب - گرت‌برداری واژگانی:

مانند «در ارتباط با» در جمله «بحث‌انگیزترین جنبه ارزیابی در ارتباط با نحوه نشان دادن کاربرد خاص کلمات است» (ص ۱۸۲) یا عبارت «در رابطه با» (ص ۳۹۴).

### ۲-۳-۶- ضرورت هماهنگی در رسم‌الخط فارسی:

می‌دانیم که دعوا بر سر یک رسم‌الخط مقبول و حاکم بر زبان فارسی در ایران فراوان است و تلاش فرهنگستان در این زمینه نتوانسته وحدت رویه‌ای در سطح کلان جامعه نوشتاری ایران ایجاد کند و نگارش کتاب‌های متعدّد و متفاوت در کنار رواج گزینش آزادانه ناشران از الگوهای رسم‌الخطی خاص در ایران دلیل این مدعاست اما دست‌کم می‌توان در برخی از موارد به وحدت و اجماع رسید و با این نگاه در اصلاح بعضی از ناهنجاری‌های خطی و تایپی کوشید.

اشکالات تایپی نظیر «دبیزش» به جای «دبیری» (ص ۳۲۳) و فاصله افتادن در تایپ واژگان، اصطلاحات یا سطرهای یک بند نظیر

آنچه در (صص ۲۷۱، ۶۲۴) دیده می‌شود، عدم رعایت فصل و وصل کلمات و جملات، جدانویسی نابجا و یکسر نوشتن واژگانی که تأکید بر جدانویسی دارند مثل واژه «ششنامه» (ص ۱۴۶)، پیروی نکردن از یک صورت نوشتاری ثابت مثلاً یکبار مسؤل را با پایه «و» و بار دیگر با پایه «ی» (نک: صص ۴۱۸ و ۳۹۰) یا گاه نشانه «ها» به کلمه متصل و گاه جدا نوشته شده است، همچون واژه «کتاب» در ص ۱۴۱ که یکبار علامت جمع «ها» به آن چسبیده و بار دیگر جدا نوشته شده است. از مهم‌ترین موارد موجود در ترجمه این کتاب است.<sup>۴</sup>

### ۲-۳-۷- ناپسامانی در سجاوندی فارسی:

با دقت در نحوه سجاوندی به کار رفته در این کتاب به این نتیجه می‌توان دست یافت که نشانه‌گذاری این کتاب آشفتته است و از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند. در بسیاری از موارد میان نحوه سجاوندی فارسی با نوع فرانسوی و انگلیسی آمیختگی ایجاد شده است و گویا مترجمان ناخودآگاه الگوی نشانه‌گذاری حاکم بر اصل کتاب را بر ترجمه تسری داده‌اند که طبیعتاً با سجاوندی فارسی تفاوت دارد. از این رو ضرورت دارد تا کتاب از این لحاظ نیز بررسی شود.

الف- ناهمگونی و عدم وحدت رویه در استفاده از کمانک و خط تیره  
برای جملات توضیحی یا معترضه: «به طور کلی، جمع‌آوری اطلاعات به عهده ناشر یا تولیدکننده است که آن را (به صورت پیوسته، بر روی دیسک‌های فشرده، به صورت چاپی، بر روی نوار مغناطیسی، یا ترکیبی از اینها) منتشر می‌کند.» (ص ۳۷)

«روشن است که نسخه‌های درون خطی این دو اثر، در ازای تنها چند دلار بیشتر، بر قالب چاپی ترجیح دارد - هر چند نباشد - جایی را اشغال نمی‌کند و از مزیت جست‌وجوی پیشرفته برخوردار است.» (ص ۱۴۷)  
«مقالات کوتاه هستند - به طور متوسط کمتر از یک چهارم تا نصف صفحه - و تصاویر متعددی دارد.» (ص ۲۷۲)

«مطابق آن ابتدا بر اساس ایالت (و در کانادا بر اساس استان) و سپس بر مبنای شهر و منطقه ترتیب یافته‌اند.» (ص ۱۶۰)  
ب - به کاربردن همزمان و بی‌فاصله نقطه یا ویرگول با حرف عطف (واو، یا):

«تأکید دیگر این پایگاهها بر تجارت، اخبار، و حقوق است.» (ص

۴۹)

«کاربر می‌تواند کلمات خاصی را وارد کند، یا یک واژه‌نامه خاص را فراخواند و یا یک زمینه موضوعی را که واژه‌نامه‌ها پوشش می‌دهند،

فراخوانی نماید.» (ص ۱۸۵)

ج - سجاوندی غیرمعمول در شمارش زیرمجموعه‌های یک مدخل: یکی از صورت‌های غیرمعمول در حوزه رسم‌الخطی که یقیناً مترجمان مطابق الگوی زبانی مبدأ نگاشته‌اند، شماره‌دهی‌های نارایجی است که با اندکی تسامح می‌توان برخی را از زیر حاکمیت شماره‌گذاری درآورد یا اساساً بدون شماره‌گذاری ذکر نمود:

«علت این است که: (۱) تنها ۲۰ تا ۳۰ درصد دارندگان رایانه امکان دستیابی به اطلاعات درون خطی را در خانه‌های خود دارند. در عوض همه آنها به سی‌دی‌رام‌ها دسترسی دارند. به همین خاطر اغلب سی‌دی‌ها را ترجیح می‌دهند. (۲) غالباً سی‌دی‌رام، یعنی کلیپ‌های ویدیویی، صداها و غیره ویژگی‌های بهتری نسبت به درون خطی دارد - چراکه از نظر فنی، امکان این ویژگی‌های سی‌دی‌رام‌ها همراه است اما در حالت درون خطی استفاده از چنین ویژگی‌هایی با صرف هزینه و وقت بسیار ممکن می‌شود. (۳) ناشرین از طریق فروش سی‌دی‌رام‌ها سود می‌کنند، در حالی که در قالب درون خطی، باید در جهت ارائه اطلاعات رایگان پیش روند. (۴) و دلایل دیگری - از سهولت استفاده گرفته تا قیمت ارزان آن - وجود دارد...» (ص ۲۴۵)

در بسیاری از موارد این‌گونه مطابق زبان اصلی قبل از شماره و او عطف آورده شده است که در زبان فارسی رایج نیست نظیر آنچه در



## با دقت در نحوه سجاوندی به کار رفته در این کتاب به این نتیجه می‌توان دست یافت که نشانه‌گذاری این کتاب آشفته است و از الگوی مشخصی پیروی نمی‌کند. در بسیاری از موارد میان نحوه سجاوندی فارسی با نوع فرانسوی و انگلیسی آمیختگی ایجاد شده است

آن و... را می‌توان افزود. از آنجاکه هدف اصلی، تنبیه بر ضرورت ویرایش کل کتاب است از ذکر مثال‌هایی دیگر درباره نحوه سجاوندی خودداری می‌شود باشد که ویراستار محترم با دقت نظر و مساعی بیشتر از اشکالات موجود بکاهد.

### پی‌نوشت:

- \* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس
۱. باید اشاره داشت که برخی از مؤلفان مرجع‌شناس از مطالب این کتاب به عنوان یک منبع مهم قبل از این ترجمه فارسی استفاده کرده‌اند.
  ۲. در برخی از موارد مترجمان با تسامح به برگردان واژگان پرداخته‌اند؛ مثلاً در ص ۱۶۶، واژه plot به «داستان» برگردانده شده است در حالی که پلات به معنای هسته یا طرح داستان است. مواردی از این دست ضرورت ویرایش محتوایی را ایجاب می‌کند.
  ۳. برای اطلاع بیشتر از دلایل نادرستی موارد یادشده به کتاب غلط‌نویسم اثر ابوالحسن نجفی مراجعه کنید.
  ۴. برای اطلاع بیشتر به کتاب‌های راهنمای ویرایش و نگارش نوشته دکتر یاحقی و ناصح و کتاب دستور خط فارسی ارائه شده از سوی فرهنگستان زبان فارسی رجوع شود.
  ۵. گاهی نیز در صفحاتی از کتاب با کمانک‌هایی روبه‌رو می‌شویم که بسته نشده‌اند، چون کمانک‌های باز شده در صفحات ۶۲۴ و ۶۳۵.

### منابع و مأخذ:

- ۱- دستور خط فارسی، چاپ سوم، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۴.
- ۲- ستوده، غلامرضا، مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، چاپ دهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۳- فتوحی، محمود، آیین‌نگارش مقاله علمی - پژوهشی، چاپ اول، انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
- ۴- مولوی، محمد، مثنوی معنوی، تصحیح محمدعلی مصباح، چاپ سوم، انتشارات اقبال، ۱۳۷۹.
- ۵- نجفی، ابوالحسن، غلط‌نویسیم، چاپ هشتم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- ۶- یاحقی، محمدجعفر و ناصح، مهدی، راهنمای نگارش ویرایش، چاپ پانزدهم، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۷.

صفحات ۱۰، ۲۲، ۸۵ و ۸۸ آمده است. به نمونه‌ای از آن دقت کنید: «نتیجه جالب تحلیل انواع سؤالات آن است که: (۱) اکثر پرسش‌ها، راهنما یا مرجع آماده محض و آسان هستند؛ (۲) به طور کلی، پرسش‌ها و منابع مورد استفاده بنیادی‌اند و درک آنها آسان است؛ و (۳) بنابراین، اکثر سؤالات را یک فرد تعلیم‌دیده لیسانس می‌تواند پاسخ دهد.» (ص ۲۲)

د- سجاوندی متغیر و غیرمعمول در کتاب‌دهی:

اگر به بخش‌های برافزوده مترجمان در معرفی منابع موجود فارسی نظری افکنید به وضوح این نوع کتاب‌دهی چندگانه و عجیب مشهود است:

«دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷» (ص ۳۲۵)

«گیتاشناسی نوین کشورها. گردآوری و ترجمه: عباس جعفری. تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۲. (چاپ دوم: ۱۳۸۴)» (ص ۴۵۵)

«صغر نیابوند، شهرام، و عبادی آق‌قلعه، فاطمه. نمایه مقالات منتشره پیرامون انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (تا ۱۳۷۷). تهران: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، نشر هماهنگ، ۱۳۷۸.» (ص ۶۶۳)

د- علاوه بر این، کاربرد نادرست نقطه ویرگول و گاه عدم رعایت آن قبل از «چراکه»، «یعنی»؛ کاربرد نادرست دونقطه(:) و گاه عدم رعایت

